

# به شکنجه جسمی و روانی انسان‌ها باید پایان داده شود

صفحه ۸

## در صفحات بعد میخوانید :

■ سخن از سلاحی رایگان که پربهاست. درباره مجموعه شعر سیاوش کسرایی «از قرق تا خروسخوان» از احسان طبری (صفحه ۵ ستون اول)

■ رنگین‌نسامه‌ها از بختیار چهره‌ای «آزادخواه و وطنپرست» میسازند! (صفحه ۲- ستون سوم)

■ در نیکار چگونه چه میگذرد؟ (صفحه ۷- ستون اول)

■ به ضد انقلاب بهانه ندهید (صفحه ۶- ستون پنجم)

■ امریکا بعنوان «بهشت موعود» در تلویزیون معرفی میشود (صفحه ۶- ستون اول)

■ تشکیل سندیکای واقعی خواست اساسی رانندگان تاکسی است (صفحه ۳- ستون اول)

# مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۳۹  
شنبه ۲۳ تیر ماه ۱۳۵۸  
تک شماره ۱۵ ریال

# تجربه ۲۳ تیر

نگذاریم امپریالیسم با حادثه‌سازی و نفاق افکنی جنبش انقلابی ما را تضعیف کند

در صفحه ۶

# حزب توده ایران به وظیفه خود عمل میکند

دقایقی که در ایران میگذرد، تاریخ ساز است. بدلیل همین اهمیت تاریخی زمان است که هیچ فرصتی را برای پیشبرد امر انقلاب، تحکیم دستاوردهای انقلاب و سرکوب ضد انقلاب نباید از دست داد.

این اهمیت تاریخی زمان را همه آنها که قلبشان برای ایران و سرنوشت انقلاب آن میتد، احساس کرده‌اند، چه آنها که به نوعی قدرت اجرایی در دولت و ارگانهای رهبری انقلاب دارند و چه آنها که دستشان از قدرت اجرایی کوتاه است، اما امید و نگرانی‌شان کمتر از آنها نیست.

صداقت گروه دوم در افشای حقایق ناگوار و صدا در آوردن زنگ خطر، بدور از جنجال و بلوای توأم با سوء نیت و تضعیف انقلاب و رهبری آن و تلاش برای اتحاد همه نیروهای راستین انقلاب برای دفاع از دستاوردهای انقلاب است و حسن نیت گروه اول در عدم حاشای واقعیات و بخمدت گرفتن تمام حسن نیت انقلابی برای دور ساختن هر چه سریعتر خطراتی که انقلاب را تهدید میکند و در نتیجه تحکیم انقلاب و رهبری آنست.

حزب توده ایران که با گنجینه‌ای از تجربه ۳۸

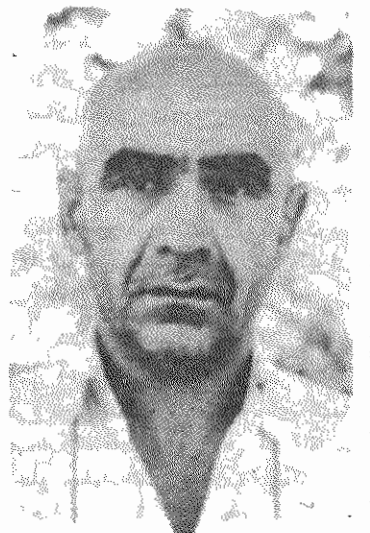
سال مبارزه بی‌امان در راه استقلال و آزادی ایران و بهروزی خلق ایران، با تمام قوا در خدمت انقلاب عظیم ایران است، با ایمان به حساس بودن زمان و تاریخی بودن دقایقی که میگذرد، در کسوت گروه دوم، بدلیل در دست نداشتن قدرت اجرایی، با ایمان به تلاشی هر چه وسیعتر برای تحکیم دستاوردهای انقلاب، خود را موظف میداند، آنجا که لازم است، زنگ خطر را بصدا در آورد و حقایق تلخ را بگوید. این زنگ خطر بارها درباره مسائل گوناگون بعنوان هشدار بصدا درآمده است. اما گروه اول که نقشی اجرایی دارد، در برابر تمام هشدارهایی که داده شده به مسئولیت تاریخی خود عمل کرده است؟

بقیه در صفحه ۴

بعد از ۱۵ سال که از اعدام او میگذرد:

## راز شهادت رفیق قبادی فاش شد

رفیق قبادی در آخرین روزهای زندگی به هم زنجیرش گفت: در ایران از من خواستند که نسبت به حزب توده ایران و شوروی ابراز تنفر کنم و پشاه اسلام وفاداری کنم، ولی من زیر بار نرفتم و از حزب و از کارم دفاع کردم و حاضر نشدم به شوروی هم بدبگویم.



رفیق شهید حسین قبادی، چند لحظه قبل از شهادت (سال ۱۳۴۳) و در لباس نظامی (سال ۱۳۲۹)

۱۵ سال پیش، در سحرگاه روز بیست و دوم تیرماه ۱۳۴۳، رفیق توده‌ای ما، ستوان قبادی به جوخه اعدام شاه خونخوار سیرده شد و باین ترتیب رفیق قهرمان دیگری به صف شهدای توده‌ای پیوست. ستوان قبادی، که از افسران فعال و مبارز سازمان نظامی حزب توده ایران بود، در سازماندهی فرار ۱۰ نفر توده‌ای از زندان، در سال ۱۳۲۹، شرکت داشت و به همراه آنها رفت و سرانجام ناچار به مهاجرت سیاسی به اتحاد جماهیر شوروی شد. رفیق، تا سال ۱۳۴۰، همراه دیگر رفقای حزبی به فعالیت خود ادامه داد، اما در این سال به خاطر شرایط روحی ویژه‌ای که داشت، تصمیم گرفت به ایران برگردد. حزب توده ایران، با توجه به نیرنگ بازی رژیم شاهخائن، سعی فراوان کرد که او را از بازگشت بایران بازدارد، ولی ستوان قبادی در برابر گشت خود اصرار کرد. در مقابل اصرار دائمی و مکرر او راهی جز قبول نبود، او بعد از گرفتن اجازه بازگشت و ویزا از سفارت ایران در مسکو، بایران بازگشت. دشمنان حزب و اتحاد شوروی، مانند معمول، به ذروغ گوئی و اتهام زنی پرداختند و گفتند که گویا حزب توده ایران و اتحاد شوروی، ستوان قبادی را، به دولت ایران

بقیه در صفحه ۴

# شاه مخلوع بدستور نیکسون به خاورمیانه باز میگردد

سفر شاه مخلوع به اسرائیل از آن جهت به تمویق افتاده است، تا ملاقاتش با نیکسون، رئیس جمهوری سابق آمریکا، انجام شود. بی تردید ملاقات نیکسون و شاه مخلوع برای احوالپرسی انجام نمیشود. نیکسون بعنوان یکی از اصلی‌ترین مهره‌های امپریالیسم آمریکا، که در حال حاضر سمت رسمی ندارد، ولی در واقع سفیر خصوصی کاخ سفید و امپریالیستهای آمریکاست، بی شک حمایت آمریکا از شاه مخلوع را باو ابلاغ خواهد کرد و برایش توضیح خواهد داد که کاخ سفید باین دلیل مایل نیست شاه در آمریکا ساکن شود که:

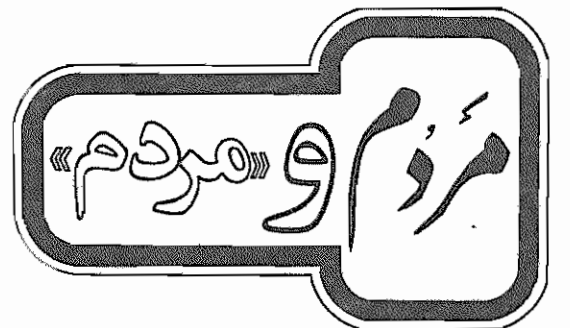
- ۱- میبایست به منطقه بازگردد و بر عملیات ضد انقلابی علیه انقلاب ایران نظارت مستقیم داشته باشد.
- ۲- سکونت شاه در آمریکا خشم خلق ایران را نسبت به آمریکا تشدید خواهد کرد و این خشم دست آمریکا را برای بازگشت به ایران و نجات پایگاه‌هایش، که زیر ضربات انقلاب است، می‌بندد.

شاه به منطقه خاورمیانه باز میگردد. هدف از این سفر قرار گرفتن در قلب رویدادها و تدارکات ضد انقلابی علیه انقلاب ایران است. قرارگاه شاه مخلوع، آنچنان که از اخبار منتشر شده برمیآید، اسرائیل است. اما محافل آگاه هشدار داده‌اند که شاه مخلوع بطور رسمی وارد اسرائیل نمیشود، ولی بیشک کشورهای دیگری در منطقه نظیر مصر، اردن، مراکش و احتمالاً عربستان و عمان نیز بصورت پایگاههای مخفی مورد استفاده شاه قرار خواهند گرفت تا هم مستقیماً در کار تدارکات ضد انقلابی عمالش نظارت داشته باشد و هم حمایت محافل ارتجاعی این کشورها را جلب کند و هم یک مقر ثابت نداشته باشد تا مورد تهاجم و شناسائی و ترور احتمالی قرارگیرد.

سفر شاه مخلوع به اسرائیل پس از مذاکراتی طولانی با نافوذترین و در عین حال کثیف‌ترین سیاستمداران آمریکا صورت میگیرد که در رأس آنها هنری کیسینجر، وزیر خارجه سابق و دلال و کارگزار سیاستهای ضد خلقی آمریکا قرار دارد.

بقیه در صفحه ۴

قرارداد دوجانبه نظامی ایران و آمریکا باید بدون درنگ لغو شود



بدنتر مردم، اشعار زیادی می‌رسد. شعرا با نهایت شور و علاقه احساسات ستودنی خویش و اندیشه‌های خود را به نظم عرضه می‌دارند و ما متأسفیم که چه بخاطر جای کم صفحات «مردم» و چه بعزت سطح متغیر و نا کافی اغلب این اشعار، ناچاریم از چاپ آنها صرف نظر کنیم. رگه‌های استعداد و ذوق شاعرانه در این اشعار ارسالی کم نیست و ما امیدواریم دوستان «مردم» با مطالعه هر چه بیشتر آثار ادبی کهن و جدید آشنائی با گنجینه بسیار غنی شعر فارسی و بالا بردن سطح توقع از خویشان، برای ما اشعار هر چه بهتری بفرستند.

منجمله ما شعر «جاودانگی» را از علی ا. دریافت کرده‌ایم با بیت: «در جهان توده زندگی ساز است، دست او هست در بنای زمان» و شعر بزرگ دوست، که در منظومه خود، قهرمانیهای خلق ویتنام را می‌سراید. شعری از پرند گرفته‌ایم منجمله با این ابیات: «آویختن به حلقه ماه اینچاه، پیغام روز را، به شیزدگان گفت آشکارا... در تار تار هر رگ، فریاد میکند آن آرزوی دور/ بیدار باش، از قطره قطره خون شهیدان و دوستان/ صدها چراغ روشن خورشید بر میداند».

از تسکین چندین شعر دریافت داشته‌ایم منجمله با این بیت: «شاه‌های نابوری که ناکسان/ ز شاخه زساقهات بریده‌اند/ جوانه‌های تازه داده است». شعر طلوع از ا.ا.گ. با این اندیشه شاعرانه شروع میشود که: «گرچه شب با چراغ و ماه/ و هزاران جسم ناپیدا وهم پیدا/ در دل پس کوجهای شهر/ سخت میکاوید، چند منظومه از ب.ب. محمودزاده بنام «لیچاره‌ها» از س. داودی، شعر «اول ماه مه» از م.ر. از اصفهان با این آغاز که: «روز موعود میاید، روز آزادی روز فریاد رسای کارگر»، شعر محمد گامی درباره «شهبود روزیه» و شعر م.ج. بنام «سوگند»، از آثار احمد با عشقی گرم بانها که همچو گوه استوار ماندند، شعری از «تلخ» درباره «فریاد امیرالیست حامی شاه جنایتکار»، و شعر دیگر احمد با مطلع: در ظلمت شبی عمیق شبی سپه‌گین و سخت/ دیوی پلید خون خلائق میکید و رفت بما رسیده است. شعری بدون امضا با این مصرع: «آسمان عطسه کرد رعد راه زیر عنوان «برای شهیدان حزب توده ایران» و شعر شاعری که تا کنون اشعارش در «مردم» چاپ شده، با این بیت شاعرانه: «این روزها حتی/ آهنگ برگهای درختانش/ آواز دسته‌جمعی آزادیت»، در بین اشعار واصله است. و همچنین شعری از حیدر برای روزیه که میگوید: «هزاران قایق، بادبانهایش عکس تو بود، از همه این دوستان متشکریم و از اینکه نمیتوانیم همه اشعار را، بمللی که گفتیم چاپ کنیم، پوزش میطلبیم. دریایان، سلطوری از آخرین شعر تسکین را که پرایمان رسیده میاوریم:

من بی گوهر دانائی،  
با سنگین ترین سلسله  
چه میتوانم بکنم؟  
آتش پروی که بگشایم؟  
وقتی که خصم من  
در پشت پرده‌های نیرنگ و فریب  
سینه‌های ستبر برادران مرا  
در مقابل سلاح شرمگینم  
می‌نشانند.

اجتماع جگر فروشهای تهران در مقابل

نخست وزیر

حدود ۱۰۰ جگر فروش، از سوی پنج هزار عضو صنف جگر فروشهای تهران، روز دوشنبه مقابل نخست‌وزیری اجتماع کردند تا به تصمیم دولت مبنی بر فروش همه جگرها به یک سرمایه‌دار اعتراض کنند. عده‌ای از آنها به عنوان اعتراض به این تصمیم تاکنون دوبار در وزارت کشاورزی و اداره گوشت کشور متحصن شده‌اند. معترضین میگویند: تصمیم دولت برای فروش تمام جگرهای تهران به یک نفر و بعد فروش مجدد آن توسط این سرمایه‌دار با قیمتی به مراتب بیشتر از قیمت دست‌اول، عملاً حمایت از یک سرمایه‌دار است، در حالیکه بعد از پیروزی انقلاب و سرنگون شدن رژیم سابق، که حامی سرمایه‌داران بود، اکنون دولت باید از ما بی چیزها و محرومها حمایت کند. پیرمرد جگرفروشی که در جمع معترضین بود می‌گفت: سی سال است جگر فروشم. یک خانواده چند نفری را از همین راه اداره میکنم و مقداری از درآمد

رنگین نامه‌ها از بختیار چهره «آزادخواه و وطنپرست» می‌سازند

تلاش گسترده‌ای از سوی کارگزاران سیاستهای «سیاه» آغاز شده است تا شاپور بختیار از خیانتی تاریخی نسبت به خلق ایران تبرئه شود. گردانندگان اصلی این تلاش در ایران بانواع حیلها سعی دارند این سرسپرده امریکارا، که در یکی از تاریخی‌ترین لحظات انقلاب شکوهمند خلق ایران، اجرای نقشه امریکا را برای ناکام گذاشتن انقلاب به راهنمایی ژنرال هویزر- تقبل کرد، از زیر ضربات خلق بیرون بکشند و با سوء استفاده از شایعات و پیشداوریهای بناحق و مشکلات و نارسائی‌های موجود، از او چهره‌ای باصلاح آزادخواه بسازند و بخیال خود ثابت کنند که آنچه ایشان بعنوان یک «آزادخواه» و «وطنپرست»، قبل از قیام مسلحانه و شکوهمند خلق و سرنگونی کامل رژیم شاه ساواک پیش‌بینی کرده بود، در حال اتفاق است و آن چیزی نیست مگر همان «فاشیسم مذهبی»، که گویا میخ آن کوبیده شده و زمینه‌اش فراهم گشته است.

برای این هجوم حسابشده و سازمان‌یافته، از طبیعی‌ترین ابزار کار استفاده میشود و این ابزار کار چیزی نیست مگر همان رنگین‌نامه‌های معلوم‌الحال، با سابقه‌ای به «درخشانی» سرسپردگی و بندگی رژیم مخلوع شاه ساواک و جیره‌خواری درباره پهلوی. شاید کمتر ایرانی وطنپرست و آزادخواهی نقش آنها را در انحراف، ترویج فساد و دروغ و تزویر دامن زدن به فحشاء، سخن افکار و در عین حال تبلیغ آنچه که درباره و ساواک دیکته میکرد، فراموش کرده باشد. همین رنگین‌نامه‌ها، با سابقه‌ای اینچنین، اکنون در جمع تبدیل به طبیعی‌ترین ابزار تبلیغ بختیار بختیار شده‌اند و در متن همین تبلیغات مسموم و عوام‌فریبانه و با سوء استفاده از مشکلاتی که مردم با آن دست به گریبانند و بیم و هراسی که بدلیل برخی اقدامات نادرست و زیان‌بخش و انحصارطلبی‌ها در دل جمعی‌راه یافته است، دراصل رهبری انقلاب را تضعیف میکنند و آب به آسیاب ضد انقلاب میریزند.

همین رنگین‌نامه‌ها، پرچم «آزادخواهی» (بسبک

بورژوازی لیبرال) را بدست شاپور بختیار داده‌اند. متأسفانه آگاهانه و یا ناآگاهانه، جمعی از رجال خوش‌نام ایران، که برخی از آنها حتی در دستگاه دولتی نیز بطور مستقیم یا غیر مستقیم نفوذ دارند، باین سیاست یاری می‌رسانند و سعی در تبرئه شاپور بختیار دارند و عمل و سازش خیانت‌بار او را یا خدمت قلمداد میکنند و یا این سؤال را مطرح میکنند که: عمل او خدمت بود یا خیانت؟ یعنی عملاً این راه را باز میگذارند که عده‌ای درباره خیانت او شك کنند! کافی است به رنگین‌نامه‌های چند هفته اخیر نگاهی بیاندازید تا عمیقاً این کارزار تبلیغاتی را احساس کنید و با چندین نام معروف، که از بختیار دفاع کرده‌اند، برخورد نمائید.

ما برای خشتی کردن تمام این تبلیغات سوء و بر ملا کردن توطئه‌گرانی که در رنگین‌نامه‌ها لانه کرده‌اند و بفعالیت ضد انقلابی خود، با رنگها و پوششهای مختلف از جمله تبلیغات بفتح شاپور بختیار و بی‌گناه جلوه دادن او مشغولند، از دولت و تمام آنهایی که در دستگاه رهبری انقلاب فعالیت دارند و نگران آینده انقلاب ایرانند، میخواهیم که هر چه سریعتر لیست ساواکی‌های مطبوعات را انتشار دهند تا مردم مستقیماً بدانند چه دستهای در پشت این رنگین‌نامه‌ها به تلاش مشغول است و سرنخ گمراه کردن‌ها، تفرقه‌افکنی‌ها و شایعه‌پراکنی‌ها در دست کیست و آنها که قصد دارند از جمله از بختیار چهره‌ای «آزادخواه» بسازند، کیستند و از چه سازمانها و افرادی برای این کارزار تبلیغاتی رهنمود میگیرند؟

از سوی دیگر، این وظیفه تمام دست‌اندرکاران دادگاههای انقلاب است که مدارک موجود در باره خیانت تاریخی شاپور بختیار را رسماً اعلام کنند و در اختیار مردم بگذارند تا آنچه ضد انقلاب درباره باصلاح خدمات و آزادخواهیهای شاپور بختیار رفته است، برای همیشه پنبه شود. ادامه سکوت مسئولین امر و تشدید تبلیغات بفتح شاپور بختیار، توسط عوامل شناخته شده و سرسپرده، با استفاده از رنگین‌نامه‌ها، واقعا جایز نیست.

راز شهادت رفیق قبادی ...

تحویلی داده و موجب مرگ او شده‌اند! حزب توده ایران در همان زمان این اتهام فجیع را طبق اسناد رد کرد. (در روزنامه مردم، دوره ششم، شماره ۱۵ خردادماه ۱۳۴۵، اسنادی که خواست رفیق را برای بازگشت بایران تأیید میکرد، به چاپ رسیده‌است). اینک بازگشت پس از ۱۵ سال، خود شهید قبادی و اقامت را فاش و صحت نظر حزب توده ایران را تأیید و اتهام زنان را رسوا میکند. دژخیمان شاه، برغم وعده‌هایی که به رفیق قبادی دادند، او را دستگیر کردند و به شکنجه‌گاه بردند. در شکنجه‌گاه بر او چه گذشت؟ هیچکس خبر نداشت. سرانجام یک روز، رژیم شاه مخلوع، خبر تیرباران او را اعلام کرد.

با پیروزی انقلاب و آزاد شدن هزاران زندانی سیاسی، راز مرگ رفیق فاش گردید و روشن شد که رژیم شاه مخلوع او را بخاطر دفاع از آرمان‌اش، به سبب اینکه حاضر نشده بود علیه حزب توده ایران و اتحاد شوروی دروغ بگوید و جانش را نجات بدهد، تیرباران کرده است.

رفیق محمد صنیع، کارگری که به ۱۱ سال زندان محکوم شده بود و در آخرین روزهای زندگی رفیق قبادی، در بند ۳ زندان قصر، با وی بوده، است، راز مرگ او را در نامه‌ای چنین فاش کرده است: «یکی دو روز قبل از اعدام او را به زندان شماره ۳ قصر آوردند. روحیه بسیار خوبی داشت، اما از چیزی خشمگین بود. با کسی راه نمیرفت. با کسی حرف نمیزد. من خیلی دلم میخواست با او صحبت کنم. بالاخره دل بدریا زدم و هنگامی که در حیاط سه گوش زندان شماره ۳ قصر قدم میزد، کنار او برآه افتادم و گفتم، اجازه میدی که با هم راه برویم؟ در جوابم گفت: اگر سؤال پیچم نکنی، عیبی نداده. و باین ترتیب مدتی با هم قدم زدیم و آنوقت شروع کرد به حرف زدن و گفت:

«در فتاری سازمان نظامی پیش‌آمد و اعدام کردن تمدادی از افسرها، که این دیگر روی من خیلی اثر گذاشت و من تلاش میکردم که بایران برگردم. دلم میخواست که جای آنها بودم. چهار سال تلاش کردم که بمن اجازه بدن که بایران برگردم، ولی دوستان شوروی راضی نمیشدند و میگفتند که اگر بایران برگردی ترا میکشند. سرانجام آنها را عاجز کردم و بالاخره با نوعی نارضایتی به من اجازه بازگشت بایران دادند و از قرازم معلوم صحبت‌هایی شده بود که مرا نکشند. ولی در ایران از من خواستند که نسبت به حزب توده ایران و شوروی ابراز تفرق و بشاه اعلام وفاداری کنم، ولی من زیر بار نرفتم و از حزب و کارم دفاع کردم و حاضر نشدم بشوروی هم بد بگم. من حتی در خارج چندبار، مخصوصاً یک بار دکتر کشاورز با من صحبت کرد و خیلی تلاش کرد که مرا بطرف نظریات چینی‌ها بکشاند. ولی من حرف او را قبول نکردم و زیر بار نرفتم، آخر هیچکس مثل شورویها نمیتواند که نفیست سوسیالیستی را رهبری بکند. خلاصه مرا با اعدام محکوم کردند.»

باین ترتیب اکنون روشن شده است که رفیق قبادی، بخاطر دفاع از آرمان حزب خود، حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، جان خود را از دست داده است. خاطره تابناک رفیق شهید ما جاویدان باد!

شاه مخلوع بدستور نیکسون ...

بقیه از صفحه ۱

حادثاتی نظیر حمله به هواپیمای رئیس‌ستاد ارتش در اهواز و فرودگاه این شهر، انفجار در مقر پاسداران و حمله به مقر پاسداران در چند شهر و از جمله شهر قم، که میبایست بیشتر از شهر دیگر ایران امنیت آن حفظ شود، و تشدید برخوردهای مسلحانه در روستاهای ایران و به آتش کشیده شدن محصولات روستائیان، در واقع نوعی قدرت‌نمایی ضد انقلاب در درون کشور، در آستانه بازگشت شاه مخلوع به منطقه خاورمیانه است.

بالاگرفتن عملیات ضد انقلاب در درون کشور، تشدید فعالیت ضد انقلاب در بیرون از مرزهای ایران و اخیر بازگشت شاه مخلوع به منطقه، بعد از ملاقاتش با نیکسون رئیس‌جمهور سابق امریکا و مذاکرات کیسنجر در مصر و چند کشور دیگر منطقه خاورمیانه (این دو از نزدیکترین یاران شاه مخلوع و مشوق او در کشتار مردم و سرکوب زمینهای انقلاب در زمان خود بوده‌اند و اکنون در مطبوعات امریکا پیاپی اعلام می‌دارند که سیاست آنها در مورد ایران صحیح بوده است و میبایست انقلابات ایران را و وحشیانه سرکوب می‌کردند. قسمتی از اظهارات این دو اخیراً در ایس‌ان نیز منتشر شده است) که بیشک بخش اساسی آنرا مسأله ایران و سرکوب انقلاب آن و تقشی که شاه مخلوع میتواند در این زمینه بازی کند، اشغال کرده است، ما را بر آن میدارند که قاطعانه از رهبران انقلاب بخواهیم. باشد هر چه بیشتر جلو عملیات ضد انقلاب را بگیرند. زمینه‌های نارضائی، که اخبار مربوط به آن بصورت تحریک آمیز در برخی از مجلات و روزنامه‌ها منتشر میشود، باید از بین برده شود. هر چه قاطع‌تر میبایست به تحریک احساسات مردم و بالا گرفتن درگیریهای موضعی بین گروههای مختلف و برپائی جنگ حیدری- نعمتی پایان داد. ما احساس میکنیم که دست‌هایی در کار است تا به تمام مواردی که ما خواهان پایان دادن به آنها هستیم، دامن بزنند و همزمان با آن، ضمن ایجاد ناامنی در مرزهای ایران و برهم زدن سیاست حسن همجواری با همسایگان ایران، امریالیسم امریکا را از زیر ضربات انقلاب بیرون بکشند و برای مردم جبهه‌های دیگری بگشایند. و این همان فرصتی است که امریکا، با جلوگیری از ورود شاه مخلوع به امریکا بازگرداندن او به منطقه خاورمیانه، طالب آنست، تا به موقع ضربه کاری خود را به انقلاب ایران وارد کند. حضور نظامی امریکا در آبهای خلیج فارس و پشتیبانی نظامی از ضد انقلاب بعنوان «دفاع از مردم ایران»، که دروازه‌های آنرا قرار داد دوجانبه نظامی ایران و امریکا بازگذاشته و هنوز برای لغو آن اقدام قاطع نشده است، نیز جزئی از این نقشه اهریمنی است.

در این حساس‌ترین لحظات تاریخ ایران، وظیفه رهبران انقلاب است که توطئه امریالیسم و ارتجاع را سرکوب کنند و در این زمینه از تمام نیروهای صادق انقلابی یاری گیرند.

از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم

واحد حزبی سوئد ۱۱۵۰ کورون سوئدی  
واحد حزبی سوئد ۱۰۰۰ مارک آلمان فدرال

# اخبار کارگری

## تشکیل سندیکای واقعی

### خواست اساسی رانندگان تاکسی است

عده‌ای از رانندگان تاکسی بندر انزلی ضمن انتشار اعلامیه‌ای خطاب به همکاران خود و دعوت آنان به اتحاد و یگانگی، خواستهای صنف خود را بشرح زیرین مطرح کرده و خواسته‌اند که سندیکای واقعی برای تحقق این خواستها اقدام نماید:

- ۱- همراه با گران‌مخارج زندگی، دستمزدهای واقعی رانندگان را تعیین نماید،
  - ۲- شرایط بیمه درمانی راننده و خانواده وی را فراهم کند،
  - ۳- در ایام بیماری حقوق کامل راننده را پرداخت نماید،
  - ۴- از طریق مذاکره با دولت و ایجاد تسهیلات، منازل ارزان قیمت در اختیار رانندگان قرار دهد،
  - ۵- در مقابل زورگویی و بهره‌کشی صاحبان ماشین از حقوق رانندگان دفاع نماید،
  - ۶- قانون ۴۰ ساعت کار در هفته را با پرداخت کامل حقوق اجرا نماید،
  - ۷- شرایط استفاده از حقوق و مزایای ایام بازنشستگی را فراهم کند،
  - ۸- قوانینی وضع کند تا پس از مدتی راننده خود صاحب ماشینی گردد که بر روی آن کار میکند،
  - ۹- با ایجاد شرکت تعاونی مصرف تاکسی‌رانان، ارزاق و اجناس مورد نیاز را با قیمت عادلانه در اختیار رانندگان قرار دهد،
  - ۱۰- اختیار و کنترل امتیاز نمره تاکسی را خود بدست گرفته تا در اختیار کسانی قرار دهد که واقعا مستحق دریافت آن هستند،
  - ۱۱- از کار رانندگان غیر حرفه‌ای و کسانی که دارای شغل دیگری نیز هستند، جلوگیری نماید،
  - ۱۲- با وضع قوانین و ضوابطی مسیر کار تاکسی‌ها را معین کرده تا کمال رضایت مسافرین فراهم گردد.
- رانندگان تاکسی بندر انزلی اضافه میکنند، تحقق خواستهای فوق‌تنها در اتحاد و یگانگی‌ماست. ما باید بتوانیم با ایجاد سندیکای واقعی تاکسی‌رانان برای بدست آوردن حقوق پایمال شده خود کوشش نمائیم. تا زمانیکه پراکنده هستیم، تا هنگامیکه فاقد تشکیلات صنفی خود، یعنی فاقد سندیکای واقعی تاکسی‌رانان می‌باشیم، به هیچیک از حقوق حقه فوق نخواهیم رسید. پیش بسوی ایجاد سندیکای واقعی تاکسی‌رانان بندر انزلی! پیش بسوی انتخاب نمایندگان واقعی سندیکا، که نه در حرف، بلکه در عمل از منافع رانندگان دفاع می‌کنند!

### نمونه‌ای از دستاوردهای انقلاب

پس از انقلاب، شورای کارخانه جنرال موتورز که از دوازده نفر هشت نفر کارگر و چهار نفر کارمند تشکیل شده، حداقل حقوق کارگران را در این کارخانه که قبلا ۱۲۰۰ تومان بود، به ۲۵۰۰ تومان ارتقاء داد و موازی با آن حقوق مدیران را که حدود سی تا چهار هزار تومان بود، به سطح ۱۷ هزار تومان تقلیل داد، که این امر موجب رضایت کارگران و نارضایتی مدیران شده است.

### تحصن بمنظور اعتراض

#### به عدم صلاحیت سرپرست موقت

کارکنان سازمان خدمات اجتماعی که موسسه‌ای وابسته بدربار بود، از روز ۳۰ اردیبهشت ۵۸ اعتراض به عدم صلاحیت سرپرست موقت این سازمان و پرداخت حقوق عده‌ای از کارکنان دست به تحصن زدند. روزنامه انقلاب اسلامی در ارتباط با این تحصن در شماره ۴ تیر ۱۳۵۸ خود نوشته است: «واقعیست اینست که بسیاری از انتصابات در سطح ادارات که عمدتاً با بقاء مدیران و مسئولان گذشته انجامید، از اساس دچار اشکال است. کارکنان سازمانها، ادارات، کارخانجات و... که چهره شد خلقی و مهابت واقعی این مسئولان بر آنها پوشیده نیست، از دولت انقلاب انتظار اینگونه اشتباهات و انحرافات را ندارند و حق هم دارند.»

۱۵ نفر از متحصنین سازمان خدمات اجتماعی اعتصاب غذا کرده‌اند، آنها اعلام داشته‌اند تا رسیدن به خواستهایشان با اعتصاب ادامه خواهند داد.

روز ۵ تیر، نخست‌وزیری انحلال این سازمان را اعلام و وظایف آنرا به وزارتخانه‌های مربوطه ارجاع نمود.

## اعتصاب پیروزمند کارگران کارخانه ایران الکتریک رشت

کارگران مبارز کارخانه ایران الکتریک رشت از روز چهارشنبه ۵۸ اردیبهشت ۲۸ اعلام اعتصاب کردند. آنان طی اعلامیه‌هایی که منتشر نموده‌اند، علت اعتصاب خود را بشرح زیر ذکر کرده‌اند: ما کارگران کارخانه «ایران الکتریک» برای احقاق حقوق غصب شده خود بارها از طریق شورا با نمایندگان کارفرما و اداره کار و امور اجتماعی در مورد خواستهایمان مذاکره و گفتگو کرده‌ایم، ولی تاکنون هیچگونه پاسخ قاطعی در این جهت بماداده نشده است...

کارگران سرانجام در اثر تشکل و اتحاد، روز چهارشنبه ۵۸ اردیبهشت با تحمیل خواستهای خود به کارفرما، در موارد زیرین به اعتصاب یک هفته‌گیشان پیروزمندانه خاتمه دهند:

- ۱- پرداخت حق مسکن و خواربار و نیز سرویس ایاب و ذهاب از اول خردادماه ۵۸ بشرح زیرین:

- ۲- محسوب شدن زمان صرف غذا در ۸ ساعت کار روزانه،
- ۳- افزایش پول غذای کارگران شیکار به میزان ۱۵۰ تومان. در ضمن با بعضی دیگر از خواستهای کارگران بطور شفاهی موافقت شد که از جمله آنها، اخراج مهندس حسینی، خواهرزاده لشکرانی صاحب کارخانه ایران الکتریک و نیز تیمسار اردشیر است.

### کارگران و رانندگان شرکت ایران سرعت دچار اجحاف شده‌اند

کارگران و رانندگان شرکت ایران سرعت، بدلیل خواستهای بحق خویش، از روز ۲۸ اردیبهشت ۵۸ در دفتر شرکت تحصن اختیار کرده‌اند. این شرکت دارای تریلی و دیگر وسائل نقلیه است. در طول سالهای خفگان، کارگران این شرکت به بهانه‌ها و معاذیر مختلف مورد اجحاف کارفرما قرار گرفته‌اند، که از آن جمله است اخراج چندین تن از نمایندگان منتخب کارگران بدلیل مطرح ساختن حقوق حقه کارگران. از آنجا که این کارگران می‌خواهند به سهم خود در دوران سازندگی انقلاب شرکت داشته باشند، برای حل مشکلات خویش به وزارت کار و نخست‌وزیری مراجعه کرده‌اند، ولی چون این دو مرجع به خواستهای آنان رسیدگی نکرده‌اند، بناچار تحصن اختیار کرده‌اند و بر این رفع مشکلات عدیده خویش به کمیته امام متوسل شده‌اند.

مهمترین خواست این کارگران تأمین شرائطی است که ادامه کار را ممکن کند. کارگران معتقدند که روال کنونی کار این شرکت بنحوی است که بزودی تعطیل خواهد شد. در وهله دوم، کارگران این شرکت سه سال است که سود ویژه خود را دریافت نکرده‌اند و همچنین مدت دو سال است که کارفرما حق بیمه را از حقوق کارگران کسر کرده، ولی بشرکت بیمه پرداخت نکرده است، لذا این کارگران از ابتدائی‌ترین حق خویش، که تأمین خدمات درمانی است، محروم مانده‌اند.

کارگران، با تحقیقاتی که انجام داده‌اند و با استناد بمیدان بدست آمده، مدعی‌اند که مدیرعامل کارخانه و دوتن از سهامداران ساواکی‌اند. در ضمن، در این شرکت رانندگان و کارگران بنگلادشی مشغول بکار بوده‌اند، که تعداد آنها حدود ۱۰۰ نفر است و اینان نیز همانند برادران کارگر ایرانی خویش مورد اجحاف کارفرما قرار گرفته‌اند. هم‌اکنون کارگران ایرانی روی احقاق حقوق کارگران و رانندگان خارجی، بدلیل عدم آشنائی آنان با زبان فارسی، تأکید بیشتری دارند.

## کارگران کوره پزخانه‌های اردبیل تحقق خواستهای خود را طلب میکنند

روز دوشنبه مورخ ۲۴ اردیبهشت ۵۸ عده‌ای از کارگران کوره‌پزخانه‌های اردبیل جلو کمیته انقلاب اسلامی کرد آمدند و از مقامات مسئول کمیته یا فرماندار خواستار شدند که هر چه زودتر به خواستهایشان رسیدگی شود. کارگران می‌گفتند: «حالا که انقلاب عظیم ایران، رژیم ضد کارگری محمد رضا شاه را سرنگون کرده و طبق گفته امام خمینی این انقلاب از آن قشرهای زحمتکش است، چرا کارفرما مثل سابق با زور حق ما را پایمال میکند. ما کارگران از کمیته انقلاب و از دولت میخواهیم که به خواستهای مشروع ما رسیدگی کند:

- ۱- ایجاد سندیکای واقعی کارگران کوره‌پزخانه در اردبیل برای رسیدگی به حقوق صنفی،
- ۲- کلیه کارگران و اعضاء خانواده‌هایشان باید بیمه شوند،
- ۳- در لیست بیمه حقوق واقعی باید درج گردد،
- ۴- تأمین مسکن برای کارگران در محیط کارخانه و بهداشت محیط کارخانه،
- ۵- وسایل کار از قبیل دستکش، لباس کار و کفش و غیره بوسیله کارفرما تأمین شود،
- ۶- تریلیی اتخاذ گردد تا کارگران بتوانند در ساعات بیکاری کلاس سواد آموزی تشکیل دهند،
- ۷- تأمین سرویس رفت و برگشت برای آنها که از اطراف می‌آیند،

توضیح اینکه در همانروز در اداره بیمه، کارفرما و شرکت بیمه تضمین کردند که آمار و لیست کارگران را تهیه و نسبت به بیمه آنها اقدام کنند.

### تعهدشهردار در مورد پرداخت طلب کارگران و رانندگان

روز سه شنبه ۲۵ اردیبهشت ۵۸ در حدود ۲۰۰ نفر از کارگران قسمت موتور و رانندگان شهرداری تبریز در سالن قسمت موتور جهت اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود اجتماع کردند. پس از مذاکراتی که بین نمایندگان کارگران و شهردار تبریز صورت گرفت، شهردار تعهد کرد که تا ۱۶ تیرماه تمام بدهی آنها پرداخت گردد و اگر تا تاریخ فوق حقوق کارگران پرداخت نشد، آنها می‌توانند اعتراض کنند.

## حزب توده ایران به وظیفه خود عمل می‌کند....

مربوط به کردستان که در شماره روز شنبه ۱۷ تیرماه «مردم» چاپ شد گوشه‌ای از این واقعیت است. ما در برابر این سهل‌انگاری که باعث بالاگرفتن موج ضد انقلابی میشود و تحریف واقعیتی که در این مناطق میگردد و همچنین پختن اخبار و تفسیرهایی که بجای کمک به حل این مشکلات، ایجاد تحریک میکند، هشدار میدهیم.

به آنها که خواب فاشیسم را دیده و سراسیمه به خیابان پریده‌اند تا بشرح آنچه در رویا دیده‌اند، جنجال بپا کنند هشدار میدهیم، وبه آنها که جنبه اصلی نبرد، نبرد علیه امپریالیسم را فراموش کرده‌اند و غیر عمده‌ها بجای عمده در برابر خود قرار داده‌اند، به آنهائی که برای انحصاری کردن قدرت کورس بسته‌اند، هشدار میدهیم و اعلام میکنیم که این اعمال تخم نفاق را در جامعه پختن میکند.

ما درنگ در ادامه تصفیه ارتش و شتابزدگی در سازمان دادن آن را خطرناک می‌دانیم و هشدار میدهیم.

کندشدن کار دادگاههای انقلاب را خطری جدی برای انقلاب میدانیم و همچنین آزاد شدن عده زیادی از زندانیان ضدانقلابی را، که بی مشخصات کامل و بدون اعلام دلیل دستگیری و آزادیشان در شهرها رها میشوند و هجوم از موضع راست افراطی به پیش‌نویس قانون اساسی رانیز خطری جدی تلقی میکنیم و هشدار میدهیم.

و سرانجام عمیقاً نگران امنیت شهر قم هستیم و در این زمینه هشدار میدهیم!

برای رفع همه این نگرانی‌ها معتقدیم که گروه نخست، که قدرت اجرایی دارد، قبل از هر نصیحت و دلالت، میبایست قاطعانه و انقلابی عمل کند. در غیر اینصورت ضد انقلاب با خیال راحت برای درهم کوبیدن انقلاب ایران دست به عمل خواهد زد.

مرور بر کودتای خونین ۲۸ مرداد و تشدید غارت ایران توسط امریکا و دیگر کشورهای امپریالیستی در دوران رژیم پهلوی، اعتقاد راسخ داریم که هر نوع وابستگی به امریکا و دیگر کشورهای غارتگر میبایست قطع شود و ارتباط ایران با تمام کشورهای جهان میبایست براساس برابری حقوق و احترام به حق حاکمیت ملی استوار گردد. ما در برابر سهل‌انگاری در این زمینه و کارشکنی‌هایی که در کار قطع ریشه‌های امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکا در ایران میشود، هشدار میدهیم.

در تعدادی از شهرها، عواملی که توانسته‌اند در کمیته‌ها نفوذ کنند و با بی‌شرمی شانه به‌شانه پاسداران جان‌برکف انقلاب بدهند، با اعمالی که مرتکب میشوند، نارضاضی می‌تراشند و با تصعیف محبوبیت پاسداران و کمیته‌ها در نزد مردم، عملاً یکی از کارسازترین سازمانهای انقلابی را فلج میکنند و از اعتبار می‌اندازند. در برابر سهل‌انگاری در تصفیه این کمیته‌ها، که بارها امام آنرا خواهان شده است، هشدار میدهیم.

ما به‌آندسته از گروهکهای چپ‌نما، که چهره خود را با مارکسیسم می‌آرایند و سعی دارند در کار بازسازی ایران بعد از پیروزی انقلاب، کارشکنی کنند، هشدار میدهیم و با صراحت میگوئیم که این عمل آنها خدمت به ضد انقلاب است.

ضد انقلاب با استفاده از زمینه‌هایی که در برخی از مناطق ایران نظیر خوزستان و کردستان و بلوچستان وجود دارد، بر فعالیت‌های خود افزوده است و با استفاده از عدم قاطعیت دولت در حل مشکلات این مناطق، نبرد رو در رو را آغاز کرده است.

فئودالها سران سرسپرده و فراری رژیم مخلوع و عده‌ای مزدور در این عملیات نقش مستقیم دارند. گزارش

بقیه از صفحه ۱

حزب توده ایران با تجربه‌ای که از سالها مبارزه دارد و با درسهای گرانبهایی که به قیمت خون هزاران شهید و اسیر توده‌ای از شکستها و پیروزیهای گذشته گرفته است و با شناختی که از مجموع انقلابات جهان دارد، آنچه که خطر به انقلاب نزدیک میشود، هشدار میدهد، اما آنها که امور اجرایی را در دست دارند و گاه همانند یاران توده‌ای ما، بیش از ۱۰ سال در صحنه مبارزات خلق ایران برای بدست آوردن استقلال و آزادی بوده‌اند، با مرور بر تاریخ مبارزات خونین معاصر ایران و با گرفتن عبرت از گذشته، با این هشدارها، آنچه‌ان که گفتیم، روبرو میشوند؟

پاسخ هر چه باشد، تاریخ سیر خود را ادامه میدهد و در این زمینه نیز ارزیابی خود را خواهد کرد. نگرانیهای حزب توده ایران، که بخاطر آنها تاکنون چندین بار زندگ خطر را بصدا درآورده است، کدامند و ناشی از چیست؟

ما باین اعتقاد و با این تجربه، که هجوم عملی و کار ساز ضد انقلاب نه تنها ما، بلکه همه آنهائی را که برای پیروزی ایران با خویش عهد بسته‌اند، با خود خواهد برد و ایران را تبدیل به گورستانی ساکت و آرام خواهد کرد، معتقدیم که از هرگونه تفرقه افکنی باید جلوگیری شود و در برابر نفاق افکنی، از هرسو که باشد، هشدار میدهیم. این تفرقه افکنی از اعمال خستونت در تظاهرات و میتینگها و حمله به کتابفروشیها و به آتش کشیدن آنها توسط عمال رژیم گذشته، با سوء استفاده از احساسات برانگیخته برخی از عناصر ناآگاه شروع میشود و تا جعل کارت کارگری فلان کارخانه توسط فلان گروهک چپ‌نما امتداد می‌یابد.

ما با تجربه‌ای جهانی و شناختی که از ماهیت امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، داریم و با

# امریکا بعنوان «بهشت موعود» در تلویزیون معرفی میشود

ساعت ۴/۵ بعد از ظهر جمعه اول تیرماه، سیما جمهوری اسلامی ایران، فیلم «مردی بر روی طناب بند بازی» را نشان داد. مطلب در این فیلم از این قرار است: کارکنان یک سیرک بزرگ و پر تماشاچی تلاش میکنند تا از کشور چکسلواکی (که البته در آنجا اختناق (۱) پیداست) گریخته به «بهشت موعود» یعنی آمریکا راه یابند. و صد البته حاضرند برای رسیدن به «آزادی» و «بهشت موعود» جان ببازند.

ما توضیح نکاتی چند را در ارتباط با فیلم و نمایش آن در شرایط کنونی ضرور میدانیم:

اول اینکه، فیلم «مردی بر روی طناب بند بازی» که از کارهای «الیازان» است، در سال ۱۹۵۲، یعنی در نخل سالهایی ساخته شد که «مک کارتیس» در آمریکا غوغا میکرد. دورانی که ساختن بسیاری از آثار هنری و از جمله فیلمهای ضد کمونیستی، به طر فدااری از رژیمهای سرمایه داری، به هنرمندان تحمیل میشد. این دوران مصادف است با اخراج «چاپلین» و «برشت» از آمریکا، محاکمه «اپن هایمر» و اعدام «روز نیرگها».

دوم اینکه، فیلم «مردی بر روی...» یک بار هم پیش از این، در دوران سیاه رژیم گذشته، آنهم درست در زمانی که تلویزیون تحت نظارت چکمه پوشان حکومت نظامی قرار داشت، به نمایش درآمد، رژیمی که ماهیتش بر همگان معلوم

هدفش هم از نمایش این فیلم تباری به توضیح ندارد. سوم اینکه، فیلم مذکور کشور آمریکا و دیگر کشورهای سرمایه داری را «بهشت موعود» تصویر میکند، در حالیکه مردم ما نشانه های جهنمی این «بهشت موعود»، یعنی فساد، دزدی، تبعیض نژادی و جنگه افروزی، که علتش مناسبات مبتنی بر استثمار در جوامع سرمایه داری است، را به روشنی میشناسند.

اکنون باید پرسید، هدف از نمایش این فیلم از سیما جمهوری اسلامی ایران، آنهم در ساعتی بیست و نه، چه بوده است؟ یا جای یای رژیم شاه گذاردن، دفاع از آمریکا و معرفی آن کشور بعنوان «بهشت موعود» به چه معناست؟ آنهم در شرایطی که مردم ما بحق امریکارا بزرگترین دشمن و سرکرده امپریالیسم جهانی میدانند؟

این کدام دستی است که از استیون ضد انقلاب بیرون آمده و با سرمشق قراردادن سیاست فرهنگی رژیم شاه مخلوع، درصدد است ناله تیز مبارزات بحق مردم ایران را با تبلیغات و نمایشات کاذب از سمت درست و ضدامپریالیستی آن منحرف نماید؟

نمایش این فیلم بحق مورد اعتراض همه مبارزان راستین ضدامپریالیست است. جادارند که گردانندگان سیما جمهوری اسلامی ایران هم به پرش مردم درباره علت نمایش چنین فیلمهایی پاسخ دهند و هم به اعتراض بحق آنها توجه کنند.

## به ضد انقلاب بهانه ندهید

در ارتباط با ماجرای دستگیری محمد رضا سعادت، عضو سازمان مجاهدین خلق، و شکنجه و آزار وی، که منجر به برپائی تظاهرات و بالا گرفتن موج اعتراض در همه ارگانهای انقلابی نسبت به دستگیری وی شد، آیت اله عفاقری، که در ماجرای درگیری تظاهرکنندگان مخالف دستگیری محمد رضا سعادت و عده ای مهاجم حضور داشته است، ضمن بیاناتی اعلام داشت که اگر محمد رضا سعادت آزاد شود، او را در دادگاه انقلابیون محاکمه میکنند.

این نوع اظهار نظر از جانب کسانی که لباس روحانیت و آنهم روحانیت مبارز را به تن دارند، فاقد احساس مسئولیت است و به آشفتگی در کشور کمک میکند.

برای همه کسانی که با حسن نیت این خبر را خوانده اند و بی طرفانه درباره رویدادها اظهار نظر میکنند، این سؤال مطرح است که، این دادگاه انقلابیون، که میخواهد جدا از همه ارگانهای

حکومت نظامی اعلام شد. ۲۳ روزنامه توقیف شدند، که در میان آنها نام تمام روزنامه های دمکراتیک و مترقی، از جمله بسوی آینده، مصلحت، دانشجو، شهیار، کیوتر صالح و... دیده میشود. به این ترتیب امپریالیسم و دربار در آن لحظه موفق به جدا کردن دو صف عمده مردم شدند.

در سیر حوادث بعدی و از جمله در تحلیل حادثه ۲۳ تیر، حزب توده ایران به تصحیح ارزیابی اشتباه آمیز خود از دولت دکتر مصدق و جبهه ملی پرداخت و بر این اساس پشتیبانی خود را از حکومت دکتر مصدق اعلام داشت. با تکامل حوادث، حزب توده ایران این پشتیبانی را هر چه وسیعتر و هر چه قاطعتر انجام داد، بطوریکه در آستانه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، حزب توده ایران بزرگترین نیرو و با نفوذترین سازمان سیاسی بود که از حکومت دکتر مصدق پشتیبانی میکرد. و این در حالی بود که حزب همچنان «غیر قانونی» بود، جبهه ملی همچنان سیاست ضد توده ای داشت و حکومت دکتر مصدق همچنان از استفاده از پشتیبانی حزب توده ایران خودداری میکرد.

تجربه ۲۳ تیر، در دوران کنونی انقلاب، تجربه گرانبهائی است. این تجربه نشان میدهد که امپریالیسم، با سوء استفاده از پیشداوریها، سوء ظن ها، ارزیابی های نادرست، عدم اعتماد به توده ها و ترس از توده ها، که در بین این یا آن نیروی ضد امپریالیست وجود دارد، و با حادثه سازی میتواند در صفوف خلق تفرقه افکند و نیروهای خلق را در برابر هم قرار دهد، آنانرا بجان هم بیندازد، در نتیجه مجموعه جنبش را تضعیف کند و به هدف های شوم خود نائل آید.

ما هم اکنون با چنین پیشداوریها، سوء ظن ها، ارزیابی های نادرست، عدم اعتماد به توده ها و ترس از توده ها، با چنین حادثه سازیها و نفاق افکنیها، روبرو هستیم که امپریالیسم و بازماندگان رژیم پهلوی، مستقیم و غیر مستقیم در ایجاد آن ویا سوء استفاده از زمینه عینی آن دست دارند. ما میبینیم که این زمینه های منفی عینی، این حادثه سازیها، توطئه ها و نفاق افکنیها چگونه در صفوف خلق تفرقه ایجاد کرده و میکنند، چگونه صفوف خلق را در برابر هم قرار داده و میدهند و چگونه همه اینها را اگر ادامه یابد به تضعیف مجموعه جنبش انقلابی مردم میانجامد.

حزب توده ایران سالهاست که در سهای لازم را از این تجربه های تلخ، ولی گرانبهائی گرفته است و به همین جهت اینک، در این لحظات حساس تاریخی، به سایر نیروهای راستین انقلابی، صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی، مسلکسی و مذهبی، هشدار جدی میدهد که این در سهای تاریخ را با احساس مسئولیت کامل در برابر خلق و در برابر انقلاب، مورد بررسی قرار دهند، آنها هم عبرت بگیرند و نگذارند که توطئه امپریالیسم در حادثه سازی، نفاق افکنی و سرانجام تضعیف و سرکوب جنبش انقلابی مردم، بار دیگر موفق شود.

این فقط هشدار حزب توده ایران نیست، هشدار تاریخ است و هر آنکس که مدعی مبارزه در راه خلق است، هر آنکس که احساس کمترین مسئولیتی میکند، میبایست این هشدار تاریخ را مورد توجه جدی قرار دهد.

بدون هیچ حادثه ای منظم آمدند، و تکیه به اوائل شاه آباد رسیدند، ابتدا بلندگوی حزب ایران فریاد کرده، مرده باد حزب توده. بلافاصله بلندگوی حزب دکتر بقائی فریاد کرد، مرده باد حزب توده. مثل اینکه با هم تسانی داشتند. پس از این حرف، از حزب ایران ده، دوازده نفر و از حزب زحمتکشان در حدود ۲۰۰ نفر با کارد و چاقو به اینها حمله کردند. آنها هم به اینها حمله کردند. چون حزب ایران و زحمتکشان کم بودند، فرار کردند. بعد جنگ آنها با پلیس آغاز شد و عملیات حزب ایران و حزب زحمتکشان نشان میداد که ما مورد آتش را روشن کنند و مأموریت خودشان را هم خوب انجام دادند.

(نقل از رستاخیز خلق - جمعه ۲۸ تیر - سال اول شماره ۱)

همانطور که «آزاد» در مجلس گفت، کسانی از احزاب ایران و زحمتکشان، آتش را روشن کردند و سر لشکر زاهدی، عامل کودتای ۲۸ مرداد، که در آن زمان وزیر کشور بود، آنرا به این ترتیب ادامه داد:

«پلیس از بالای عمارت و کامیونها با گاز اشک آور هجوم خود را آغاز کردند و سپس صفوی را که تحت تأثیر گاز دچار التهاب شده بود، با کمال ناجوانمردی هدف گلوله قرار دادند. انکار آتش فرو می بارید...»

## یورش امپریالیستی و ارتجاعی

جمعیت زیر رگبار گلوله به میدان بهارستان رسید. نفر اولی که قطعه نامه را میخواند با گلوله مجروح شد و قطعه نامه را به نفر بعدی سپرد. نفر دوم قطعه نامه را خواند. «قطعه نامه به تصویب رسید. در این هنگام خروش زنجیرهای سنگین تانک، زمین را بلرزه در آورد. تانکها پیش میامدند و هر چه را که در راه خویش می یافتند درهم می شکستند... اما آنچه شکست نمی پذیرفت، عزم آهنین زنان و مردان قهرمان ما بود. زنان فرمان به پیش میدادند. زنجیر تانک زن کارگری را مجروح کرد و هر دو پای دختر جوانی را در هم فرو کوید...»

بعدها، سیر وقایع روشن کرد که دکتر مصدق در حادثه ۲۳ تیر نقشی نداشته و امپریالیسم و دربار، با کمک سر لشکر زاهدی و دکتر بقائی ها، این توطئه را تدارک دیده بودند. سر لشکر بقائی رئیس شهربانی وقت، که چند روز بعد از حادثه برکنار شد، در نامه خود به دکتر مصدق نوشته بود:

«کار من بوط به دموستراسیون و میتینگ ۲۳ تیر در شهربانی متکی به سابقه ای بوده که شخص سر لشکر زاهدی وزیر کشور در آن دست داشته است. حتی در موقع جریان کشتار ۲۳ تیر، زاهدی به شهربانی آمده و دستورهای جنایتکارانه مبنی بر تیراندازی به مردم تهران را صادر نموده است.» در این یورش امپریالیستی و ارتجاعی، دهها مبارز جان خود را از دست دادند و صدها نفر مجروح شدند. عمال سر لشکر زاهدی ساعت ۷ همان شب به خانه صلح حمله و آنرا غارت کردند. بلافاصله

# تجربه ۲۳ تیر...

۲۳ تیر، در تاریخ مبارزات ضدامپریالیستی مبین ما، جای ویژه ای دارد. از سونی دهها کارگر قهرمان، که در اعتصاب خونین ۲۳ تیر ۱۳۲۵ و صدها توده ای که در تظاهرات ۲۳ تیر ۱۳۳۰ شهید شدند، نشان دادند که طبقه کارگر قهرمان ایران عزم راسخ برای نابود کردن امپریالیسم در مبین ما دارد و از سوی دیگر امپریالیسم، که در آن روزگار هنوز بسیار مقتدر بود، با اجرای نقشه ای موفق شد صفوف مردم را از هم جدا کند.

میوانست امپریالیسم انگلستان را از یاد در آورد. و راه سلطه امپریالیسم امریکارا به ایران سد کند. ولی امپریالیسم امریکا، که نقشه سلطه بر ایران را داشت و راه ایمن تسلط را در جدائی نیروهای مردمی میدید، به تفرقه افکنی مشغول بود. این نقشه شیطانی، با کمک دربار سرسپرده و خائینی چون دکتر بقائی، سر لشکر زاهدی و سر لشکر بقائی، در حال اجرا بود.

ترس بورژوازی ملی از رشد جنبش توده ای و از اتکاء به جنبش توده ها، که در سیاست ضد توده ای جبهه ملی منعکس میشد از یکسو، و عدم شناخت دقیق بورژوازی ملی ایران و عدم تشخیص خصلت ضد امپریالیستی جبهه ملی از جانب حزب توده ایران از سوی دیگر به اجرای این نقشه میدان میداد.

در چنین اوضاع و احوالی، روز ۲۳ تیر ۱۳۳۰ فرا رسید، در شرایطی که قرار بود تا چند روز بعد هر یمن، فرستاده امریکا، برای مذاکره با دکتر مصدق درباره نفت به ایران بیاید.

«جمعیت ملی مبارزه با شرکت های استعماری» نفت، که روز ۲۳ تیر «روز شهدای خوزستان» اعلام کرده بود، در این روز اعلام راه بیسانی از میدان فردوسی بطرف میدان بهارستان کرد. روزنامه بسوی آینده، صبح یکشنبه ۲۳ تیر، درباره این دموستراسیون چنین نوشت: «ملت قهرمان ما امروز دنیا نشان میدهد که آزادی و استقلال میخواهد و از استعمار و همه مظاهر آن شدیداً متنفر است. ملت ما امروز دنیا اعلام میکند که خلق یکدکامل از کمپانی سابق و ملی کردن صنعت نفت هدف صرف نظر نکردنی مبین پرستان این سرزمین است.»

در همین مطلب چنین هشدار داده شده بود:

«با اینکه عمال مزدور امپریالیسم امروز بر ضد دموستراسیون عظیم مردم تهران توطئه ها و تشبیهات فاشیستی چیده اند، ولی مردم تهران با هوشیاری، مراقبت و بیداری خود، مطمئناً این توطئه ها را درهم خواهند شکست و تظاهرات خود را با شکوه خاص برقرار خواهند نمود.» و عصر همان روز توطئه های فاشیستی اجرا شد. هزاران کارگر، پیشه ور، دانشجو روشنفکر در آن تظاهرات شرکت کردند و امپریالیسم و دربار صدها نفر از آنها را بخون کشیدند. آزاد، یکی از نمایندگان مخالف حزب توده ایران، چند روز بعد، هنگام بحث درباره واقعه در مجلس، ماجرا را چنین شرح داد: «نمایش دهندگان از خیابان شاه آباد

در تاریخ ایران، در روز خونین ۲۳ تیر ثبت شده است، اولین ۲۳ تیر در خوزستان به خون کشیده شد. در آن زمان شرکت نفت انگلیس، که به برکت سرسپردگی سرخاندان پهلوی، خود دولت بزرگی در دولت ایران تشکیل داده بود، منابع نفت را بیرحمانه غارت میکرد و هزاران کارگر را در شرایط استثمار وحشیانه ای بکار گرفته بود. همیای سلطه وحشیانه ای امپریالیسم انگلیس در لباس کمپانی نفت، مبارزات قهرمانانه طبقه کارگر ایران بر ضد امپریالیسم نیز ادامه داشت. در آن سالها طبقه کارگر ایران، با تشکل در شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران، هر روز ضربه محکمتری بر غارتگران نفت میزد، آخرین آنها، قبل از ۲۳ تیر ۱۳۲۵، اعتصاب کارگران نفت در آغاز جاری بود که از ۲۲ اردیبهشت تا ۱۴ خرداد، با نظم بی سابقه ای جریان داشته و به پیروزی رسیده بود.

روز ۲۳ تیر ۱۳۲۵، در تمام مناطق نفتخیز خوزستان، کارگران دست به اعتصاب عمومی زدند. ۲ هزار کارگر نظم شهر را به هم ریختند. آنها عزل مصباح فاطمی، استاندار مزدور، انحلال دستگاه سیاسی کمپانی نفت و اجابت تقاضاهای حقه اقتصادی خود را خواستار بودند. کمپانی غارتگر نفت، که قبلاً «اتحادیه عشایر» و «حزب سعادت» را بوجود آورده بود، به این دوسازمان سرکوب، دستور حمله داد. همراه با این دو سازمان، پلیس و ژاندارمری هم به کارگران یورش بردند. ۴۷ کارگر رزمنده نفت در این حوادث شهید و ۱۷۰ نفر مجروح شدند، اما مبارزه ادامه یافت. کارگران به خواسته های اقتصادی خود رسیدند.

## ۲۳ تیر ۱۳۳۰

سال ۱۳۳۰، در ایران شرایط ویژه ای حکمفرما بسود. جنبش ملی شدن صنایع نفت، برهبری دکتر مصدق، هر روز اوج بیشتری میگرفت. امپریالیسم انگلستان زیر ضربات جنبش قرار گرفته بود. ولی امپریالیسم تجاوز کار آمریکا به میدان میآمد و سهم خود را از غارت نفت ایران طلب میکرد. اردوگاه سوسیالیسم، با ۲۰ میلیون شهیدی که اتحاد شوروی برای منسوب کردن فاشیسم داده بود، در موضع دفاعی قرار داشت. توازن نیروها در جهان هنوز بسود امپریالیسم بود. حزب توده ایران بدنبال توطئه امپریالیسم، از بهمن سال ۱۳۲۷ «شهر قانونی» اعلام شده بود و بناچار فعالیت مخفی داشت. مردم در دوسازمان عمده سیاسی، حزب توده ایران و جبهه ملی، متشکل بودند. اتحاد عمل این دو نیرو

# اتحاد کارگران و کشاورزان، اساس نظام خلقی افغانستان



احترامی عظیم برای مردم افغانستان قائل بوده است و کمکهای گوناگونی در اختیار مردم افغانستان قرار داده است.

## دوام تجاوزات و توسعه طلبیهای گستاخانه اسرائیل

خبرگزاری تاس با استناد به خبر منتشره از طرف سازمان فلسطینی وفا اعلام کرد که مقامات اسرائیل کماکان حقوق اعراب را در سرزمینهای اشغالی پایمال می کنند، بطوری که فقط در ماه ژوئن کشاورزان عرب را از صدها هکتار اراضی متعلق به ایشان اخراج کردند و ۳۸ نفر از وطنپرستان بازداشت شده را تقریباً به ۳۲۲ سال حبس محکوم کردند.

مصر، شریک جرم اسرائیل، که با سلاحهای مکمل تحویلی آمریکا، باید در ایفای نقش ژاندارمی در خاورمیانه و خلیج فارس، اسرائیل را بطور غیر مستقیم علیه اعراب مدهد کند، همچنان در معرض انتقاد جهانیان قرار دارد. به گزارش خبرگزاری فرانسه از دهللی نو، دکتر کارلوس رافائل رودریگز، معاون رئیس جمهوری کوبا، مصر را به علت انحراف از اصول اساسی جنبش عدم تعهد شدیداً بابت انتقاد گرفت. معاون ریاست جمهوری کوبا همچنین اعلام کرد که کشوری پیمان مصر و اسرائیل را محکوم کرده است و این موضوع در کنفرانس سران کشورهای غیرمتعهد در کوبا، که در سپتامبر تشکیل خواهد شد، مورد بحث قرار خواهد گرفت.

## چین در درون

خبرگزاری فرانسه با استناد به گزارش دفتر بین المللی کار درژنو اعلام کرد که دهقانان چینی بایند این بار برای برابری زن و مرد دست به یک «راه پیمایی بزرگ» دیگر بزنند. در این گزارش هم چنین آمده است که با وجود تغییر شکل کشاورزی در چین، برابری زن و مرد و استقلال اقتصادی زن تأمین نشده است. در چین، مردها غالباً مشاغلی را بعنوان مسؤلان اشغال کرده اند.

از طرف دیگر مطبوعات محلی رسمی یکن اعتراض مردم چین را به کمبود مسکن، نابسامانی شدید خدمات مربوط به آب، گاز و برق منعکس کردند.

## چین در بیرون

شاید به همین علت یعنی برای اشتغال و انحراف ذهنی مردم چین است که رژیم مائوئیست یکن دست اندر کار حادثه آفرینیهای تجاوزکارانه در جنوب شرقی آسیاست.

بگزارش رویتر، جمهوری سوسیالیستی ویتنام اعلام کرده که چین در طول مرزهای دو کشور به تحریکات مسلحانه دست میزند، که باید آن را با تهدیدهای آن کشور درباره حمله قریب الوقوع چین به ویتنام مرتبط دانست.

از طرف دیگر دولت شوروی در باره عدم صداقت چین در روابطش با کشورهای سوسیالیستی نوشت که یکن میکوشد تا دشواریهایی در راه گفتگو با دولت شوروی پدید آورد.

خبرگزاری فرانسه از دهللی نو گزارش داد که کارلوس رافائل رودریگز در دیدار اخیر خود از هند، در دهللی نو اعلام کرد که در صورت حمله جدید چین به ویتنام، اگر دولت سوسیالیستی ویتنام از کوبا تقاضای کمک کند، این کشور کمک خود را به آن دولت افزایش خواهد داد که اعزام نیروی نظامی از آن جمله خواهد بود.

حفیض اله امین، نخست وزیر و وزیر امور خارجه افغانستان، در مصاحبه ای که با خبرنگاران خارجی بعمل آورد، اعلام کرد: «در این کشور یک نظام خلقی ایجاد شده است که بر اتحاد کارگران و کشاورزان متکی است». حفیض اله امین همچنین گفت: در مرحله نخست اصلاحات ارضی پایان یافته است و اکنون سرشماری همگانی در کشور انجام می گیرد. بنا بر این ما به صلح نیازمندیم تا در بر تو آن به رشد کشور تحقق بخشیم و مباحی هستیم به اینکه با همه کشورهای همجوار در صلح و سلم زندگی می کنیم.»

نخست وزیر افغانستان در زمینه سیاست خارجی کشور خود گفت: افغانستان پیرو سیاست عدم تعهد است و در این جنبش فعالیت دارد، لکن تیمیت از سیاست عدم تعهد مانع استقرار و دوام روابط دوستانه افغانستان با سایر کشورها نیست.

حفیض اله امین سپس درباره روابط افغانستان و اتحاد شوروی گفت که کشوری همسایه شوروی است و سالیان دراز است که روابط مودت آمیز مبتنی بر اصول برابری میان دو کشور مدام روبه توسعه و گسترش بوده است.

نخست وزیر افغانستان همچنین گفت که اتحاد شوروی همواره

## تسلیم سازمان حزب توده ایران در اراک بمناسبت درگذشت رفیق قدوه

به کمیته مرکزی حزب توده ایران  
رفقای عزیز! خبر درگذشت نابهنکام رفیق گرامی و همشهری عزیز ما محمد رضا قدوه باعث تأثر عمیق ما گشت. ما هیچوقت خاطره مردان شریفی را، که تا آخرین لحظه عمر خود به آرمانهای حزبی پایبند بوده اند و در راه آن از هیچ کوششی فروگذار نکرده اند، فراموش نخواهیم کرد. مبارزه و زندگی این رفقا درس آینه زندگی و راهنمای ما خواهد بود. درگذشت رفیق محمد رضا قدوه را که رفیقی پر ارزش برای همه ما بود، با قلبی اندوهناک بوسیله شما به همه رفقای حزبی و تمام بازماندگان آن رادمرد مبارز تسلیم میگوئیم.

## از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم

هواداران حزب در چالوس ۱۰۵۰۰ ریال  
در نوسهر ۱۰۴۵۰۰ ریال  
دوشیزه فرخنده يك پلاك طلا  
هواداران حزب، کارگران و فرزندان زحمتکشان  
خیابان غار (خیابان شهیدرضا صفار هرنندی) ۵۰۰۰ ریال

### توجه!

فیضهای بانکی یا فوتوکی آنرا، که رفقا و دوستان کمک کننده برای ما میفرستند، غالباً خوانا نیست و ما را دچار اشکال میکند. از کمک کنندگان عزیز خواهشمندیم این فیشها و یا فوتوکیها را قبلاً بررسی کنند و اگر خوانا و قابل استفاده بود، برای ما بفرستند.

# در نیکاراگوئه چه میگذرد؟

آنچه اینروزها در نیکاراگوئه، این کشور کوچک آمریکای مرکزی میگذرد، تنها یک انقلاب خونین و حماسه آمیز علیه یک دیکتاتور افسارگسیخته و امپریالیسم حامی آن نیست. انقلاب خلقی نیکاراگوئه حادثه ای بیش از این است. انمکس به ریختن موازنه نیرو و عارضه جهان به زیان امپریالیسم و ارتجاع، حتی کشورهای را در بیخ گوش آمریکا که تا دیروز در قرق سیاسی و اقتصادی او بودند - به تلاطم و التهاب انقلابی انداخته است. در جهان ما، از مدتها پیش، «وضع انقلابی» برپاست. این وضع تاکنون در هر جا که زنجیر و سبطه امپریالیسم و آبادی و شرکای آن، به عمل گوناگون به سستی میگرداند، بازن لسه های سیاسی و بحرانهای عمیق اجتماعی، که آستن نظم و آئین نوینی بود، تظاهر میکرد. انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی ایران در ایزیسوی جهان و انقلاب مردم نیکاراگوئه با همین مضمون در آنسوی جهان دو کشوری که عریک به دلایل استراتژیک، سیاسی و اقتصادی در تیول امپریالیسم و در فشار منگنه موحش تریش دیکتاتوری عصر بودند - نشان میدهد که برای امپریالیسم جهانی دیگر هیچ حریم امن، هیچ قرقگاه قابل اطمینانی وجود ندارد.

انقلاب مردم نیکاراگوئه آغاز مرحله جدیدی از پیشروی انقلاب در آمریکای مرکزی است. این انقلاب باز - تاب فراهم آمدن آنچنان شرایطی است که در آن، «امکان» انقلاب و تحولات بنیادی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی در محکم ترین دژهای امپریالیسم، به «واقعیت» تبدیل میشود؛ از اینرو پیروزی مردم نیکاراگوئه ناقوسها را در تمامی جنرفیای آمریکای مرکزی، که اکثر کشورهای آن با سیمهای خاردار دیکتاتوری محافظت میشوند، به صدا در میآورد. به همین دلیل است که ایالات متحده کوشیده است به هر وسیله ممکن، با هر نوع دوز و کلتک سیاسی و حتی تهید نظامی، انقلاب آزادیبخش مردم نیکاراگوئه را درهم بشکند و اینک که امید درهم شکستن آن به برکت پیروزیهای پیاپی سیاسی و نظامی انقلاب به نومییدی میگرداند، انقلاب را به نحوی تحریف و تخریب کند، از پیشروی آن جلو بگیرد، آنرا به نوعی سازش با بورژوازی لیبرال وادارد و در قبال گذشتها و عقب نشینیهای اندک، پایگاههای اساسی خود را حفظ کند.

رهبران کخ سفید و اشکنکن، به توصیه طراحان پنتاگون و سیا در اجرای این منظور کوشیدند تا کشورهای آمریکای مرکزی را به اعزام نیروهای به اصطلاح میانچی به نیکاراگوئه، بمنظور برقراری صلح مورد علاقه ایالات متحده وادارند. هدف از این نقشه تجاوزگرانه، درهم کوبیدن مقاومت مردم به طغیان درآمده از ستم دیکتاتوری و امپریالیسم، با دخالت مستقیم ارتشهای بیگانه بود. اما اگر «جان کندی» در زمان ریاست جمهوری خود توانست با یک چنین نقشه شیرانه ای قیام مردم «دومینیکن» را در خون خفه کند، جهان امروز در فضای گسترش روز افزون جنبشهای رهایی بخش ملی و بهم خوردن تعادل نیروها بزبان امپریالیسم، چنین تجاوزی را به آسانی هضم نمیکند و اصولاً در شرایط هزیمت امپریالیسم، چنین هجومی چندان معقول و ساده نیست.

وقتی این دسیسه باشکست روبرو شد، ایالات متحده از در دیگری وارد شد. دیپلماسی آمریکا با زیر فشار قرار دادن «آناستازیا سوموزا» رئیس جمهوری نیکاراگوئه - بعنوان مظهر عربیان یکی از فاسدترین رژیمهای دیکتاتوری و سرسپرده مطیع امپریالیسم آمریکا - برای کناره گیری طرح کاذب «آشتی ملی» را برای شروع «مذاکرات تفاهم» بین تمامی نیروهای سیاسی کشور و طرفین منخاصمه پیش کشید. این طرح آشتی ملی، که در جریان انقلاب ایران هم ماهیت آنرا شناختیم، هدفی جز این ندارد که جای سوموزا را، که دیگر دوران او به سر آمده، با یک «بختیار» نیکاراگوئه ای عوض کند. اما پیروزیهای قاطع و سریع انقلاب، زیر رهبری «جبهه رهایی ملی ساندینیستا» تعبیر این خواب و خیال را با مشکلات جدی مواجه کرده است.

همراه با به رسمیت شناختن «جبهه رهایی ملی ساندینیستا» بعنوان تنها دولت قانونی نیکاراگوئه از طرف پاره ای از کشورهای، اکثر نقاط کشور به دست نیروهای این جبهه آزاد شده است. مناطق آزاد شده بیش از ۳۰ شهر را در بر میگیرد، در حالیکه در دیگر شهرهایی که هنوز زیر همیز دیکتاتوری هستند، مبارزه انقلابی به اشکال دیگری ادامه دارد. اعتصابات گسترده سیاسی شهرها را تقریباً فلج کرده و خرابکاری مردم و مبارزان در سیستمهای خدماتی و شهری، که به نوعی مورد استفاده گارد ملی «سوموزا» است، عرصه را در سراسر کشور بر حکومت کنندگان تنگ کرده است.

آمیختن همه اشکال مبارزه و شیوه های انقلابی بهم، بر محور مبارزه مسلحانه - توده ای، نیروهای انقلابی را بصورت بالنده و تسخیرناپذیری در آورده است. سرچشمه اصلی نیرو و توان انقلاب، چه در شکل مسلحانه و چه در جلوه های اعتصابی و سیاسی پشت جبهه ای آن، در میان ۶۰ هزار کارگر کارخانجات صنعتی، ۵۰ هزار کارگر ساختمانی، ۳۰۰ هزار کارگر کشاورزی و ماهیگیری، ۴ هزار کارگر معدن و سنگبری، ۳ هزار

ساندینیستا» نامگذاری شد. از آن هنگام تاکنون ما مبارزه علیه دیکتاتوری سوموزا را توسعه داده و به افشای نقشه و ماهیت بورژوازی حاکم و امپریالیسم آمریکا پرداخته ایم، ما با اولین مبارزه مسلحانه لطمه شدیدی خوردیم، بسیاری از رفقایمان شهید شدند، ولی از این شکست درسهای گرانبهایی آموختیم. ما بطور جدی به تجزیه و تحلیل علل شکست خود پرداختیم و به این نتیجه رسیدیم که سازمان ما باید اساساً به طبقه کارگر، دهقانان و دیگر بخشهای خلقی نیکاراگوئه متکی باشد. ما کار سیاسی در بخشهای مختلف را آغاز کردیم و عملیات بسیجی زیادی را علیه دیکتاتوری به انجام رساندیم. همچنین پیشنهاد اتحاد با بقیه نیروهای چپ مثل حزب سوسیالیست را عنوان کردیم...

رژیم سوموزا در تلاش خود جهت سرکوب جنبش انقلابی به کمک کشورهای دیگر هم متوسل شده است. کارشناسان برزیلی شیوه های شکنجه و اقرار از زندانیان را به ارتش سوموزا تعلیم میدهند. بعد از پیروزی خلق ویتنام، ۲۰۰ خانواده ارتشی از سایگون به نیکاراگوئه آمدند. علاوه بر این، تعدادی از مقامات عالی رتبه ارتش «وان تیو» هم اکنون مشغول تعلیم گارد ملی سوموزا هستند. کسره جنوبی تعدادی کارشناس نظامی بیاری سوموزا فرستاده. اسرائیل به توصیه آمریکا کمکهای مالی و نظامی بسیاری به سوموزا داده است اسپانیاهم همینطور، در سال ۱۹۷۷، اسپانیا ۲۸۰ میلیون دلار برای خرید اسلحه به دیکتاتور نیکاراگوئه قرض داده است... چهل و سه سال است که خلق نیکاراگوئه از وجود یکی از خونخوارترین و جنایتکارترین دیکتاتورهای، که بوسیله ایالات متحده حمایت میشود، رنج میبرد. (خانواده سوموزا طی ۲۴ سال حکمرانی یک چهارم ثروت های تمامی نیکاراگوئه را تصاحب کرده است) خلق ما با وجود آنکه از نظر فرهنگی عقب نگه داشته شده - بیش از ۸۰ درصد مردم بیسوادند - همچنان قاطعانه میسر زمد و به پیروزی امید قطعی دارد...

کارگر برق و آب و خدمات بهداشتی، ۲۳۰ هزار نفر از زحمتکشان عرصه حمل و نقل و انبار و مخا برات و ۱۶۰ هزار نفر کارکنان بخشهای تجاری، امور مالی، بیمه و دیگر خدمات قراردادار.

«جبهه رهایی ملی ساندینیستا» که در رأس انقلاب قراردادار، با کفایت و تهود توانسته است که همه نیروها و اقشار ملی را، که از دیکتاتوری وابسته زبان می بینند و خواهان طرد آن هستند، متشکل کند و برای مبارزه ای طولانی، با بهره گیری از تمامی اشکال ضروری مبارزه سیاسی و نظامی، سازمان دهد. «خوزه به نیتواسکوبار» یکی از رهبران جبهه رهایی ملی «ساندینیستا» که چندی پیش در گراما گرم مبارزه انقلابی شهید شد، ضرورت و چگونگی پیدایش این جبهه و هدفهای آن را پیش از شهادتش به این ترتیب تصویر کرده است: «جبهه ساندینیستا در سال ۱۹۶۱، به حکم یک ضرورت تاریخی، برای رهبری موثر خلق ما علیه دیکتاتوری سوموزا ایجاد شد. ما لازم میدیدیم که جنبش انقلابی نیکاراگوئه به سازمانی متشکل از بخشهای مختلف خلقی، مانند کارگران، دهقانان، دانشجویان و دیگر زحمتکشان تکیه دهد. در آن سال یک سری از گروهها و سازمانهای کوچک، که بعضی به کار مخفی اشتغال داشتند، گردهم آمدند. جبهه ساندینیستا از اتحاد جنبش نوین نیکاراگوئه، جوانان وطن پرست انقلابی، جبهه متحده نیکاراگوئه و چریکهای با تجربه ساندینیست، که در سالهای ۱۹۲۶ - ۱۹۳۴، همراه ژنرال «اگوستو ساندینو» بر علیه سومین تجاوز ایالات متحده آمریکا مبارزه کرده و از آن زمان به بعد زیر فشار و خفقان دوام آورده بودند، تشکیل گردید.

ابتدا به اسم جنبش ساندینیستیا (به احترام قهرمان و شهید بزرگ انقلابی ساندینو) نامگذاری شد و سپس در سال ۱۹۶۲ به نام جبهه رهایی بخش ملی و سرانجام با اولین تجربه مبارزه مسلحانه در سال ۱۹۶۳، بنام «جبهه رهایی بخش ملی

از نامه يك فرد صديق و منصف:

# فقط کارگزاران رژیم شاه مخلوع تا این حد بی شرم بودند

من توده‌ای نیستم. یعنی هنوز نیستم. شاید روزی به‌صفا شما پیوندم. فعلا سخت سرگرم تجدید نظر در نظرات گذشته‌ام هستم و در این راه روزی هشت تا ده ساعت مطالعه و تحقیق می‌کنم تا پس از کنار زدن لای و لجن‌های ناشی از تبلیغات خصمانه رژیم شاه مخلوع و اربابان یا نکی‌اش و پس از درک و آگاهی از تاریخ واقعی نهضت کارگری در ایران، که تاکنون آنرا تحریف شده تحویل ما داده‌اند، راه را برای خدمت به طبقه کارگر ایران انتخاب کنم.

شاید همان‌طور که گفتم، این راه همان راه شما باشد، که بیش از ۳۸ سال پیموده‌اید. هنوز تصمیم نهائی را نکرده‌ام. گفتم توده‌ای نیستم. اما از ۱۸ سالگی در کار مبارزه با رژیم جنایتکار پهلوی بوده‌ام و در همین راه حدود ۷ سال از عمرم را در زندانهای رژیم گذرانده‌ام و هنوز آثار شکنجه‌های مأمورین ساواک در بدنم باقیست. من تا کنون بارها برای شما نامه نوشته‌ام و پاسخهایم را در دستون «مردم و مردم» گرفته‌ام. این‌ها را بیشتر در جهت همان تحقیق و مطالعه است که در پیش گرفته‌ام، تا راه‌ها پیدا کنم، اما اینبار نامه‌ای که برایتان نوشته‌ام در این رابطه نیست. ما چرا مربوط است به‌خبر منصفانه‌ای که درباره گردمایی وزارت خارجه از طریق رادیو و تلویزیون، که این روزها نقش یک جانی و تفرقه‌افکنی را پیش گرفته است، بخش شد.

بی‌خیال در خانه به تلویزیون نگاه می‌کردم و اخبار را در ذهنم جای میدادم که ناگهان گوینده خبری درباره گردمایی بخش کرد. این‌ها همان‌طور که شما هم لابد شنیده‌اید، مربوط به مسائل واقعی و مطرح شده در کفرانسی نبود، بلکه مربوط بود به باصلاح اعتراض یکی از گروهک‌های مائوئیست به حضور نماینده حزب توده ایران در این گردمایی با این مضمون که، ایشان و حزبشان مبلغ سیاست «سوسیال امپریالیسم» در ایران هستند و نباید در این جلسه شرکت می‌کردند! گوینده تلویزیون این «معترض» گروهک مائوئیست را «مارکسیست» معرفی کرد و گروهش را نماینده «مارکسیسم» در حالیکه اگر نویسنده خبر و گوینده آن از ماهیت چنین گروهکی اطلاعی نداشتند، لابد در سازمان رادیو و تلویزیون بودند و هستند کسانی که برایشان بگویند که آقای «معترض» مائوئیست است و گروهکش یکی از نمایندگان مائوئیسم در ایران. یعنی همان خط‌مشی فکری، که دوشادوش امپریالیسم امریکا، از همه جنايات امپریالیسم جهانی دفاع میکند و اخیرا وارد کارزار عملی هم شده است. نمونه انکارناپذیرش را میخواهید؟ به اخبار مربوط به ویتنام، کامبوج، لاوس، نهضت‌های رهائی بخش آفریقا و آسیا، پشتیبانی از رژیم خونخوار پینوشه و رژیم سرنگون شده شاه تا آخرین دقایق حیات آن که شاید هنوز هم ادامه داشته باشد، نکاهی دوباره بیاندازید.

در هر صورت، هنگام پیش‌بینی این‌ها منصفانه توسط گردانندگان بخش خبر تلویزیون و سانسور بقیه آنچه در این گردمایی گذشت، دور بین تلویزیون برای چند لحظه‌ای جلسه گردمایی را نشان داد. در همین موقع چشم بصورتی کشیده‌ولی در عین حال مصمم **محمدعلی عموتی** افتاد، که یکی از دو نماینده حزب توده ایران در این جلسه بود. خبری که تلویزیون پیش کرده بود، یکبار دیگر سرعت از ذهن عبور کرد. اشک در چشمانم جمع شد. بسی اختیار با صدای بلند گفتم، زهی بی‌شرمی!

براستی که چنین بی‌شرمی تنها از آن خود فروختگان رژیم شاه مخلوع بود. چنین بی‌شرمی بواقع که در حد مائوئیست‌ها، این همکاران و همپالکی‌های امپریالیسم و نوکران سرسپرده آن، نظیر شاه مخلوع است.

ولی در واقع تعجب من بیشتر ناشی از سیاست ضد توده‌ای و نفاق افکنانه تلویزیون در این زمینه است، نه از روش نماینده گروهک مائوئیست، که دست‌رو شده است.

از گردانندگان تلویزیون می‌پرسم که، برآستی در میان ده‌ها خبر و رویدادی که این روزها حزب توده ایران در آن نقش دارد، فقط اعتراض فلان گروهک مائوئیست به حضور نماینده این حزب در گردمایی وزارت خارجه خبر است؟

حزب توده ایران خود بهتر میتواند به این عمل ناخبرانه اعتراض کند و یا هر روشی را که صلاح میدانند، برگزیند. اما من این حق را در اینجا برای خویش، بعنوان یک زندانی سیاسی، قائم که، با صدای بلند بگویم، اگر شما که در دستانتان به وسائل ارتباط جمعی رسیده است و آنرا در خدمت تنگ نظری‌های خود بکار گرفته‌اید، **محمدعلی**

**عموتی** را نمی‌شناسید و با پیش‌خبر تحریک‌کننده عملا مانند آن مائوئیست آبرو بساخته، تیغ تهمت بصورت یکی از شریف‌ترین چهره‌های مبارز ایران میکشید، هیچ زندانی سیاسی، چه مذهبی و چه غیر مذهبی، نیست که این چهره را نشان داده به صداقت و انسانیت او ایمان نداشته باشد.

محمد علی عموتی بیش از ۲۵ سال از عمرش در کنار رفقای افسر حزب توده ایران در زندانهای شاه خائن سپری شده است.

اگر حرف را باور ندارید و یا بدلیل عدم حضور در ایران از این حماسه‌های غرور آفرین اطلاعات کافی ندارید، به آیت‌الله طالقانی‌ها - آیت‌الله منتظری‌ها - آیت‌الله غفاری‌ها - آیت‌الله خلخالی‌ها و صد‌ها مبارز مذهبی و غیر مذهبی، که پس از سالها اسارت

# به شکنجه جسمی و روانی انسان چه مرجعی باید پایان داده شود

انطرف گروهی از کارکنان بانك ایران و زاین، مطالب زیر به «مردم» رسیده است، که توجه خوانندگان را به آن جلب میکند:

«کلیه کارکنان بانكها با نام ایرج آژرم، معاون ابوالقاسم خردجو، در بانك توسعه صنعتی و معدنی ایران آشنا هستند. ایرج آژرم در زمانیکه در بانك صنعتی معاون خردجو بود، بسا اعطاء اعتبارات هنگفت به صاحبان صنایع و سرمایه‌های وابسته به امپریالیسم و شاهپورها و سایر عوامل رژیم سابق در دستگاه، صاحب نام و شهرتی شد تا اینکه در حدود سه سال پیش - آبان ۵۵ - با کمک اکبر لاجوردیان سرمایه‌دار و کارخانه‌دار معروف، به مدیرعاملی بانك ایران و زاین منصوب شد. البته در این انتصاب شریفا مامی هم اعمال نفوذ داشت.

ایرج آژرم در مدت ۲/۵ سال در بانك ایران و زاین، با حقوق و مزایائی در حدود ماهی ۲۴۰ هزار تومان، میلیاردها تومان اعتبار در اختیار عوامل مزدور رژیم سابق گذاشت، که عده زیادی از آنها مقاطعه‌کاران و سرمایه‌داران وابسته فراری هستند، از جمله بیوک صابر، مصباح زاده و مسعودی. کارمندان بانك میگویند، همین عوامل بودند که ایرج آژرم را بقدرت رساندند و این مدیرعامل مزدور میلیاردها مطالبات لاوصول بر بانك تحمیل کرد و میلیونها تومان خودش سود برد و رشوه گرفت.

پس از پیروزی انقلاب و تشکیل شورای کارمندان، مبارزه بر علیه این شخص و داد و ستدش در بانك اوج گرفت و با فشارشورا از مدیرعاملی بانك خلع گردید. (۵۸/۳/۱۶)

با کمال تأسف در ۵۸/۳/۱۸ که بانكهای خصوصی تحت نظارت دولت درآمد و اعلام شد که بانكها ملی شده‌اند، با کمک مسعودی‌ها و لاجوردی‌ها و عوامل بیوک صابر و حاج طرخانی، که در دستگاه دولت همچنان نفوذ مؤثر دارند، ایرج آژرم بسا همه خیانت‌ها و دزدی‌ها به **مدیرعاملی بانك توسعه و سرمایه‌گذاری** منصوب شد. ضمن اعتراض به دولت، از این انتصابات، که نظائر آن زیاد است، با اطلاع می‌باشد؛ آیا بتدریج و مرور زمان دستاوردهای انقلاب در حال ضعیف شدن نیست؛ آیا این مزدورهای رژیم، در آینده ضربه مهلکی به اقتصاد کشور وارد نخواهند ساخت؛ آیا صلاح نبود دولت آقای بازرگان مطالعه‌ای هر چند مختصر در این انتصابات بعمل می‌آورد تا خادم و خائن تشخیص داده شوند؛ آیا بتدریج سوءظن به عملیات دولت در مردم ایجاد نمی‌شود؛ به این سوالات چه مرجعی جوابگو خواهد بود؟

کارمندان بانك ایران و زاین در خاتمه میگویند: «اگر تغییرات در سطح کشور باین ترتیب باشد، در آینده نزدیک ثمرات انقلاب بکلی نابود و رژیم سابق به شکلی دیگر جایگزین خواهد شد.»

مخالفان رژیم، بلکه برای تولید يك جو آکنده از وحشت و ترس و اعمال فشار بر همه مردم بمنظور اسكات مخالفین بکار میرفت. دستگاه شکنجه‌گری با يك عمل واحد شیطان‌های چندین هدف را تعقیب میکرد:

۱- درهم شکستن نیروی مقاومت مخالفان، بزاتودر آوردن آنها و تبدیل آنها به انسانهای بی‌اراده‌ای در خدمت رژیم و کشتن آنها در ورطه تنگین همکاری با ساواک.

۲- از بین بردن مبارزان سرسخت و تسلیم ناپذیر از طریق شکنجه کردن آنها تا به حد مرگ.

۳- ایجاد محیط ارباب و وحشت بین توده‌های مردم و بازداشتن آنها از مبارزه از طریق دامن زدن به شایعات مربوط به مخافت شکنجه.

۴- و بدین نحو خالی کردن میدان از معارضین و بازگذاشتن دست عمل رژیم و در رأس آنها محمدرضا پهلوی برای انجام هر عمل ضد ملی، هر نوع خیانت علیه مصالح مردم، مهرباطله زدن بتمام مفاهیم مربوط به استقلال و حق حاکمیت ملی و دموکراسی، دادن آزادی به تاراجگران بین‌المللی، برای یغمای ذخائر ملی‌ها، بشرط پسر داخت حق السهم محمدرضا و خاندان سلطنتی و اعوان و انصار آنها، و از این راه تأمین پشتیبانی این قدرتها برای بقاء و دوام حکومت مطلقه سلطنتی.

در قانون اساسی انقلابی ایران - بادر گرفتن از همه واقعیتهای گذشته - باید جای ویژه‌ای به مسئله تحریم مطلق وقایع شکنجه و شکنجه‌گری داده شود. در وهله اول باید مجازات‌های سنگین برای هر کسی که به عنوان و بدستور هر مقام، هر گونه شکنجه جسمی و روانی را، به شکل و بهر ترتیب، در مورد هر فردی معمول دارد، پیش‌بینی گردد. هر دستوردهنده باید بمشابه میاشر عمل، مشمول چنین مجازاتی قرار گیرد.

باید در قانون اساسی تصریح شود که هر گونه اعتراف، که بوسیله اعمال شکنجه، اعم از روانی و جسمی گرفته شود، فاقد هر گونه ارزش و اعتبار قانونی است. قانون باید حافظ مطلق حقوق هر زندانی باشد. زندانی باید در پناه قانون خود را مصون از هر عمل و اقدامی بداند که بسا موازین قانونی و انسانی دولت انقلابی مبیانت پیدا کند.

در جمهوری اسلامی ایران به شکنجه جسمی و روانی انسان، یکبار برای همیشه، باید پایان داده شود.

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فعلا هر هفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود.

خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن: ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

قانون معین میکند. بدترین، تنگین‌ترین و نفرت‌انگیزترین خصلت رژیم پهلوی، خصلت اهریمنی شکنجه‌گری آن بود. شاه خائن تمام اعمال ضد ملی خود، همه خیانت‌های خانمان برانداز خود ب مردم ایران و همه تجاوزات خیره‌سارانه خود به ابتدائی‌ترین حقوق اساسی خلقهای ایران را در زیر سایه شوم شکنجه‌گری توانست بموقع اجرا بگذارد. شکنجه‌گری اهرم اصلی قدرت دیکتاتور و مؤثرترین وسیله‌ای بود که نه تنها برای از بین بردن

## نمایشگاه آثار هنری نهمین امیر ابراهیمی و شهاب موسوی زاده



نمایشگاه آثار هنری نهمین امیر ابراهیمی و شهاب موسوی زاده در سالن بزرگ دانشکده هنرهای زیبا بنمایش در آمد. نهمین امیر ابراهیمی و شهاب موسوی زاده در سالن بزرگ دانشکده هنرهای زیبا بنمایش در آمد. هر کدام بیش از یازده سال در کار نقاشی و طراحی سابقه دارند. در نمایشگاه اخیرشان نزدیک به ۷۰ تابلوی نقاشی و حدود ۱۰۰ طرح عرضه شده است.

این ششمین نمایشگاهی است که از کارهای نهمین امیر ابراهیمی و شهاب موسوی زاده در زمینه زندگی روزمره مردم است. این آثار حاصل سالهای ۵۱ به بعد است.

شهاب موسوی زاده که در «کنده‌کاری» هم تجربه‌ای موفقیت‌آمیز دارد، موضوع یازدهمین نمایشگاه کارهایش در زمینه مسائل تاریخی است. این نمایشگاه مشترک تا تاریخ ۲۶ تیرماه، صبح و بعداز ظهر ادامه دارد. دیدار از نمایشگاه را به همه دوستان توصیه می‌کنیم.

از زندان آزاد شده‌اند، رجوع کنید و از آنها بخواهید که برایتان از گذشته‌های دردناک اسارت در زندانها و شکنجه‌های شاه و از جمله فاتحان همه آنها، افسران حزب توده ایران، طی ۲۵ سال و از جمله آنها **محمد علی عموتی** برایتان تعریف کنند. به حقیقت قسماشان بدهید و از شان برسید که آنها جاسوس بوده‌اند؛ نوکر و سر سپرده بوده‌اند؛ سرسوزنی مقابل رژیم سر تعظیم فرود آورده‌اند؛ جز وطنپرستی، آزادخواهی و انسان دوستی چیزی در این جهان دارند؟ ...

من بعنوان يك انسان، که هفت سال از عمر خود را در بی‌غول‌های شاه سپری کرده و در حد توان خود با رژیم گذشته مبارزه کرده‌ام، جدا از تعصبات مسلکی، به همه آنها که باز هم سعی دارند مانند سالهای تنگین گذشته تاریخ را تحریف شده و حقایق را دگرگون جلوه دهند، هشدار میدهم که، دیگر امکان ندارد در آسمان ایران زیر ابر بماند. نسل جوانی که به میدان مبارزه برای آزادی و استقلال و پیشرفت برای ایران آمده، جویای حقیقت است و آنرا، از هر راهی که بتواند، کشف میکند. حتی اگر تمام وسایل ارتباط جمعی در دست کسانی باشد که احیانا دگرگون جلوه دادن حقایق را هدف خود قرار داده‌اند.

اینگونه سمپاشی‌ها و سوء استفاده از وسائل ارتباط جمعی برای گمراه کردن مردم و پنهان کردن دشمنان واقعی مردم، اگر کار ساز بود، برای رژیم شاه مخلوع مفید واقع میشد و از سقوطش جلوگیری میکرد.

م.ک

# برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق